

منظومه ی

# زُبدَةُ الْعُقَائِدِ

عالم ربانی مرحومہ حاج ملا محمد ابراہیم لاری

معروف بہ « حاجی آخوند طرزِ حاجی » (متوفی ۱۳۵۱ ہجری قمری)

بہ ضمیمہ مختصری از شرح حال مسند گرامی

ترجمہ و توضیح

عبدالمجید وافی

- سرشناسه : لاری، محمد ابراهیم ، ۱۲۶۰ - ۱۳۵۱ ق
- عنوان و نام پدید آورنده : منظومه ی زبدة العقائد / محمد ابراهیم لاری ، ترجمه و توضیح عبدالمجید وافی
- مشخصات نشر : قم : شفق ، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص: مصور.
- شابک : 978- 964- 485 - 102 - 5
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : شیعه - - عقاید - - شعر
- موضوع : شعر مذهبی عربی - ترجمه شده به فارسی
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۲ ۴ ل ۲۶۰۲ pia
- رده بندی دیویی : ۸۹۲ / ۷۱۰۰۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۴۵۵۱

### زبدة العقائد

- حاج ملا محمد ابراهیم لاری طزر جانی
- ترجمه و اضافات : عبدالمجید وافی
- ناشر : انتشارات شفق
- چاپ : اعتماد
- نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۵
- شمارگان : ۱۰۰۰
- شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۸۵ - ۱۰۲ - ۵
- حق چاپ و کپی محفوظ و مخصوص ناشر است



انتشارات شفق

قم - خیابان معلم، مجتمع ناشران واحد ۳۲۴

تلفن ۳۷۷۴۱۰۲۸ نمابر ۳۷۷۴۴۸۳۶

پست الکترونیک shafaghbook@yahoo.com

۸۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

|          |                                     |
|----------|-------------------------------------|
| ۹        | ..... به جای مقدمه                  |
| (۱۵-۵۲)  | بخش اول : احوالات                   |
| ۱۷       | ..... حاجی آخوند طرزجانی در یک نگاه |
| ۵۳       | ..... منابع                         |
| (۵۵-۱۷۴) | بخش دوم : منظومه                    |
| ۵۷       | ..... مقدمه منظومه                  |
| ۶۳       | ..... اثبات وجود خالق متعال         |
| ۶۶       | ..... اثبات یگانگی خداوند متعال     |
| ۷۲       | ..... عدل خداوند متعال              |
| ۷۶       | ..... ردّ بر قائلین به جبر و تفویض  |
| ۸۲       | ..... اثبات نبوت                    |
| ۸۸       | ..... ردّ سخن منکرین نبوت (براهمه)  |

|                                                    |     |
|----------------------------------------------------|-----|
| شرایط پیامبری .....                                | ۹۲  |
| معصوم بودن پیامبران .....                          | ۹۸  |
| اثبات نبوت پیامبر اکرم ﷺ .....                     | ۱۰۴ |
| اثبات امامت .....                                  | ۱۱۳ |
| اثبات جانشین پیامبر اسلام .....                    | ۱۱۷ |
| ردّ عقیده حالّین در جانشین پیامبر اسلام .....      | ۱۲۲ |
| ذکر فضائل اهل البیت و مطاعن دشمنان آنان .....      | ۱۲۹ |
| أفضلیت حضرت علی علیه السلام .....                  | ۱۳۷ |
| اثبات امامت بقیه امامان دو گانه علیهم السلام ..... | ۱۴۷ |
| اثبات معاد و ویژگی های آن .....                    | ۱۵۱ |
| خاتمه منظومه .....                                 | ۱۷۰ |
| منابع و مأخذ .....                                 | ۱۷۳ |

بخش سوم : تصاویر (۱۷۵ - ۱۷۳)

## بسم الله الرحمن الرحيم

قال امير المؤمنين علي عليه السلام: «العالم حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا»

به جای مقدمه :

حدود پانزده سال پیش که وارد مدرسه «توفیقیه» روستای طزرجان از توابع یزد شدم با فضایی محقر و ساده ولی معنوی و باصفا روبرو شدم، هنوز در مورد بانی و تاریخچه آنجا چیزی نمی دانستم اما وابستگی و علاقه زیادی به آنجا احساس کردم. به توصیه والد بزرگوارم به همراه یکی از دوستان طلبه به آن مدرسه رفته بودم، قرار بود در سه ماه تابستان به خاطر برپای متاسب و فضای درسی آنجا مشغول مباحثه و مطالعه دروس شده و در کنار آن، جلسات آموزش و حفظ قرآن کریم و بیان احکام هم برای بچه های آن روستا برپا کنیم. وقتی با اهالی روستا هم صحبت شدم در سخنانشان، داستانها و کرامتهای یک عالم ربانی پررنگ بود، گویا هنوز در میان آنها حضور دارد و یا به تازگی از دنیا رفته است؛

۱. حضرت علی علیه السلام فرمودند: عالم، همیشه زنده است اگرچه (در ظاهر) مرده باشد. (غررالحکم و دررالکلم حدیث ۱۱۲۴)

چنان سخنان و رفتار آن بزرگوار در جان مردم نفوذ کرده که حتی کسانی که ایشان را ندیده بودند هم ناقل و راوی بسیاری از قضایای جالب و حکیمانه ایشان بودند. مردی که بیش از هفتاد سال پیش از میان این مردم رفته ولی هنوز نُقلِ گفتار و کردارش، نُقلِ مجالس و محافل آن دیار است. حالا می فهمم چرا آن مدرسه کوچک و نیمه خراب، دارای روح و معنویت عجیبی است؛ چون با اراده و همت این مرد الهی بنا شده و سالها محل درس، تعلیم و تبلیغ معارف الهیه از زبان رادمردی وارسته چون حاجی آخوند طررجانی رحمته الله بوده است، گرچه از جهت ظاهری فرسوده و خراب و به تبع آن خلوت و غریب، در میان روستا به فراموشی و بی مهری رها شده ولی آنفاسِ قدسی آن عالم بزرگ هنوز از فضای آنجا احساس می شود، بر سر مزارش هم که می روی بوی غربت مدرسه به مشام می رسد و اسرارِ راه یاد کلام مولای متقیان علی علیه السلام می اندازد که فرمودند: «الْعُلَمَاءُ غُرَبَاءُ لَكثَرِ الْجَاهِلِينَ»

این عالم ربانی بیش از این به گردن مردم شهر یزد، که حیات معنوی خود را مدیون او و امثال او هستند، حق دارد و کمتر به کار برای آدای حق، احیاء آثارِ مکتوب و احوال ایشان است. دوست داشتم طبق حدیث: «إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا»<sup>۱</sup> به اندازه توانم کاری برای ایشان کرده باشم خصوصاً اینکه ایشان حقِ ابوت و پدری با سه واسطه بر من داشتند، تا اینکه از طرف مجلس محقق جناب حجة الإسلام آقای حاج شیخ عباس طواری رحمته الله که سال ها ایام تابستان در آن مدرسه مشغول تالیف و تدریس بود به حقیر پیشنهاد شد که احوالات آن مرحوم را جمع آوری کرده و در صورت توان منتشر کنم تا یاد و قضایای ایشان فراموش نشود، حتی خود ایشان که مختصری از احوالات حاجی آخوند را جمع آوری

۱. علماء غریب هستند چون جاهلان بسیارند. (غررالحکم و دررالکلم حدیث ۱۷۱۹)

۲. هر وقت فرد عالمی را دیدی به او خدمت کن. (غررالحکم و دررالکلم حدیث ۴۰۴۴)

کرده بودند، به حقیر اجازه استنساخ از آن را دادند. در ابتدا خیلی جدی نگرفتم زیرا خود را کوچک تر از این می دانستم که وارد این عرصه شوم، پس از مدتی جزوه ای از ایشان دیدم که یک دوره عقاید شیعه را به صورت مختصر و مفید به زبان عربی به شعر درآورده بودند، آن جزوه خیلی کم یاب و با کیفیت نامناسبی چاپ شده بود و در دست معدودی از طلاب و آشنایان بود. سال بعد که به مدرسه رفتم با اصرار و تأکید مجدد حاج آقای طواری مبنی بر عدم تأخیر در این امر مواج شدم ایشان فرمود: این کار مربوط به خانواده شماست و نباید انتظار داشته باشید دیگران در رابطه با ایشان کاری بکنند. اگر چه فکر این مطلب که شخصی مثل من بخشد در مورد آن بزرگوار کاری انجام دهد دشوار بود ولی با عنایت خداوند کریم و تشویق دیگران مشغول این امر شده و ابتداءً برای تکمیل احوالات و قضایای مربوط به ایشان سراغ کسانی که بدون واسطه با حاجی آخوند ارتباط داشتند رفتم، همچنین از خاطرات آشنایان ایشان و برخی علمای یزد نیز استفاده نمودم و مطالب حلیه که در جزوه حاج شیخ عباس طواری نبود، به آن ضمیمه نمودم. در مورد منظومه هم با برخی اساتید خود صحبت کرده و تصمیم بر این شد که ترجمه و توضیح مختصری در کنار آن اشعار بیاید تا مورد استفاده همه قرارگیرد ولی چون موفق نشدم این کار را به کسی واگذار کنم مجبور شدم خودم کلماتی را در ترجمه منظومه برگزیده و به این بهانه، کمال استفاده را به برکت نفّس رحمانی آن عالم ربانی از معالی الای منظومه ببرم و مستفیض شوم. این مکتوبه، نتیجه این تصمیمات است گر چه خالی از نقص و اشتباه نیست و حقیر نیازمند بیان اشکالات آن توسط علماء و فضلاء بزرگوار هستم. مناسب است شعری که مرحوم حاج شیخ عباس طواری در ابتدای احوالات ذکر کرده اند در وصف خود بیان کنم :

|                                |                             |
|--------------------------------|-----------------------------|
| جائت سلیمان یوم العید قَبْرَهُ | أنت بفخذ جراد کان فی فیها   |
| ترنمت بفصیح القول واعتذرت      | إن الهدایا علی قدر مُهدِیها |

امیدوارم بتوانم توجه فضلاء و اهل علم و ادب را به اصل منظومه جلب کنم که مصنف گرامی در برخی بیت ها چنان زیبا و شیوا مطالب مشکل کلامی را بیان کرده اند که قابل فهم و درک برای عوام شده و با استفاده از تشبیهات زیبا و مثالهای واضح و استناد به دلائل عقلی و نقلی، منظومه یی ساده، روان، مستند و محکم تألیف و تنظیم نموده اند.

جای تحسین این است که این دوره عقائد را که بیش از پانصد بیت است در حکام رفتن به پابوسی حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام تنظیم و جمع آوری نموده اند و باید دانست که در حین مسافرت به خصوص در آن دوران که چهار پیمان سفر می کردند، استفاده از کتب مختلف و مستند، کاری دشوار و شاید غیرممکن بوده و این، حکایت از إحاطه علمی و إشراف کامل ایشان به مبانی شریعت و اصول عقائد و کلام دارد.

نکته دیگر اینکه در بحث های مختلف این کتاب سعی شده در عین وضوح مطالب و استدلال ها، شیوه اختصار و ایجاز گری رعایت شود تا موجب خستگی و ملال خواننده نگردد فقط در یک مبحث است که به نظر می رسد عنان کلام از دست مصنف رها شده و نتوانسته است حقایق و اسرار را درون قلب نورانی خود نگه دارد و به بیان تفصیلی مسأله پرداخته است و آن، حقیقت برتری داشتن مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شایستگی خلافت بلاشک پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، که خواندن این قسمت از منظومه، دل هر خواننده مُنصفی را تکان داده و اشک غربت و مظلومیت مولا را برگونه جاری و عدم شایستگی غاصبین حقوق آن حضرت را برملا می سازد و چه بسا بتوان گفت این قسمت یکی از زیباترین بخش های کتاب است که خیلی جذاب و عالمانه بدون دسترسی به منابع، دلائل و شواهد متعددی مطابق با نظر همه فرقه های اسلامی در حقانیت جانشینی آن حضرت ذکر شده است.

ضمناً دو نسخه خطی از منظومه یافت شد که یکی در کتابخانه مرحوم آقای وزیری یزد است به خط مرحوم شیخ عبدالحسین عجمین در سال ۱۳۲۹ هجری قمری به خط زیبایی نوشته شده و در سال ۱۳۸۹ هجری قمری توسط ایشان به کتابخانه وزیری اهداء گردیده است. متن اهداء ایشان و جواب تشکر مرحوم آقای وزیری در ابتدای کتاب مکتوب است. نسخه دوم نزد فاضل محترم حاج سید محمد حسین مدرسی یزدی- زید توفیقه- بود و ایشان لطف کرده آن را به حقیر دادند. ترجحاً مقطوع الاول و الآخر است و نام ناسخ و سال تحریر آن معلوم نیست ولی چون در ابتدای آن دست خطی از عالم ربانی مرحوم حاج سید احمد مدرسی درج شده ارزشمند است. در تصحیح و اصلاح بعضی از کلمات و ابیات منظومه، از این نسخه خطی استفاده گردید. (تصویری از این نسخه ها در بخش سوم آمده است).

از همه عزیزانی که به هر وجه مشغول حقیر بوده و در جمع آوری و نوشتن احوالات این عالم ربانی و همچنین اعقاب گذاری و تصحیح منظومه، ویرایش ترجمه و شرح منظومه، بنده را یاری دادند مصطفی آیه الله حاج شیخ ابوالقاسم وافى، حاج علی آقای وافى و پدر گرامیم حاج شیخ محمدجواد وافى-زیدعزم- تشکر و قدردانی نموده، برای مصنف جلیل القدر علی بن محمد رحمت و ارتقاء درجات عالیّه دارم.

این بضاعتِ قلیل را به روح پدر بزرگ عزیز و گرامی ام مرحوم حاج احمد آقای وافى رحمه الله که از مشوقین حقیر در این امر بودند و هنوز از داغ فقدانشان سوگوار و عزادار هستم، تقدیم می کنم. امیدوارم در آن عالم در پرتو انوار درخشان اهل البیت علیهم السلام به نعمت های کریمانه پروردگار عالمیان متنعم بوده و این حقیر عاصی را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

به عنوان تذکر و تبرک بخشی از پیام عالم ربانی و عارف وارسته زمانمان، فقیه اهل البیت حضرت آیه الله العظمی بهجت رحمته الله را که در مراسم پرده برداری از طلای گنبد کریمه اهل البیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ایراد فرموده بودند و به وجهی مربوط به این مقام هم می شود به عنوان حسن ختام این سطور ذکر می کنم:

«قال الله عز وجل: وَمَنْ يُعْظَمْ شعائر الله فَإِنَّهَا مِنْ تقوى القلوب»<sup>۱</sup>  
 هر کس شعائر الهی را بزرگ بشمارد این کار، از باب تقوای قلب است. تمام تقواها به قلب است و جسد به منزله خادم است و اختصاص شعائر به این است که تقوا را در قلوب دیگران، تثبیت می نماید. علامتی هستند که به واسطه آنها به ذی العلامه پی می برند... پس هر عبادتی که سبب شود از برای دخول در یاد خدا و در طاعت خدا، مقرب است از دو جهت؛ یکی از آن جهت که خود، مأمور به است و دیگری از آن جهت که تهییج دیگران به سوی طاعت است و ذوالشرافتین است...»

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قم المقدسة - عبدالمجید وافی